



زلزله در پارلمان؛
طرح استیضاح
وزیر در دستور کار
مجلس

PDF Compressor Free Version

صفحه ۲



از پاداش ۱۷۰
میلیاردی تا
قرار دادهای پنهان
قلعهنویی

صفحه ۷

روزنامه سراسری اقتصادی، اجتماعی ایران | شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۵ | ۷ ربيع الثاني ۱۴۴۸ | ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۴ | شماره ۲۱۸۹ | قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

دو ستون ثبات بازار؛ مهار نقدینگی در کنار روان سازی مسیر کالا

**طرح مضحک
دولت برای فروش
طلاي اقساطی برای
بازنشستگان**

یادداشت

مرتضی قدیمی

در حالی که رئیس‌جمهور مدام از «کوچک کردن دولت» و سپردن کار به مردم دم می‌زند، حالا دولت با طرحی مضحک می‌خواهد وارد بازار طلا شود و بازنشستگان درمانده را به خرید طلاي اقساطی ترغیب کند!

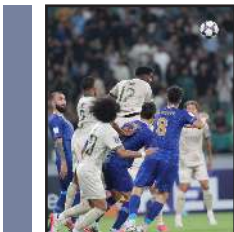
این یعنی یا دولت از واقعیت کمرشکن زندگی مردم بی‌خبر است، یا قصد دارد با ایجاد رقیب دولتی در بخش خصوصی، کسب‌وکارهای آنلاین را از پا در آورد

طرح جدید وزارت رفاه برای فروش طلاي اقساطی به بازنشستگان، نه تنها از نظر اقتصادی یک شوخی بی‌مزه است، بلکه از نظر منطقی نیز با واقعیت‌های معیشتی همخوانی ندارد. باید پرسید یک بازنشسته با حقوق حداقلی، پس از کسر هزینه‌های درمان و خوراک، چقدر توان مالی دارد که بخواد به سراغ طلاي گرمی یا قیمت‌های سرسام‌آور برود؟

اما فراتر از این پرسش منطقی، یک تناقض بزرگ در سیاست‌های دولت مشاهده می‌شود: دولت که ادعا می‌کرد قرار است از مسیر کسب‌وکارهای مردم عقب‌نشینی کند، حالا با ورود به بازار طلا، در حال تبدیل شدن به بزرگترین رقیب بخش خصوصی و کسب‌وکارهای آنلاین طلا است. این رفتار، دقیقاً نقطه مقابل وعده‌های پزشک‌بان برای «کوچک کردن دولت» است. دولت نمی‌تواند هم‌زمان هم ادعای مدیریت‌گریز بودن داشته باشد و هم بخواد در جزئی‌ترین بخش‌های بازار، رقیب مردم شود.



**افزایش قیمت
طلادر
بازار جهانی**



**استقلال
تحت فشار
دوئل‌ها**



**بنزین؛ از کارت
سوخت تا کارت
بانکی**

دو ستون ثبات بازار؛ مهار نقدینگی در کنار روان سازی مسیر کالا

دکتر فرحناز نعمتی هولاسو – بحران تورم در اقتصاد ایران از یک مشکل ساده فراتر رفته و به یک چالش ساختاری تبدیل شده است. مقابله با این پدیده مستلزم عبور از راهکارهای تک‌بعدی و رسیدن به یک مدیریت هماهنگ میان سیاست‌های پولی و برنام‌های تجاری است. تنها با ایجاد پیوند میان مهار نقدینگی و رفع موانع گمرکی می‌توان از ایجاد چرخه‌های معیوب قیمت و افت قدرت خرید مردم جلوگیری کرد.

دارد. همچنین از صندوق توسعه ملی هم برداشت انجام نگیرد؛ چرا که این اقدامات تورم شدیدی ایجاد می‌کنند. دومین موردی در اختیار بانک مرکزی قرار دارد، کنترل ترانزنامه بانک‌هاست؛ یعنی بانک‌هایی که در واقع ضریب فزاینده پولی را با اعطای وام‌های متعدد و وام‌های ریسک‌دار افزایش می‌دهند. در حقیقت این شیوه عملکرد بانک‌ها ایجاد تورم می‌کند. همچنین بانک‌های متخلفی که نرخ بهره بیشتری پرداخت می‌کنند، عملکردشان می‌تواند عامل مهمی در بروز تورم باشد.

تکته بعدی که باز بانک مرکزی می‌تواند در حقیقت انجام بدهد، این است که تمرکز مناسبی روی نرخ ارز داشته باشد. یعنی یکی از دلایلی که تورم افزایش پیدا می‌کند، ناشی از افزایش قیمت ارز است؛ وقتی قیمت ارز بالا می‌رود، متعاقب آن قیمت کالاها نیز افزایش می‌یابد و در حقیقت این فرآیند منجر به تورم می‌شود.

بانک مرکزی به عنوان مهم‌ترین عرضه‌کننده ارز در کشور نقش بسیار اساسی دارد و با منابعی که در اختیار دارد، می‌تواند این منابع را به بازار آزاد یا بازارهای مورد نیاز تزریق کند تا از افزایش بی‌رویه قیمت دلار جلوگیری به عمل آید؛ این اقدام به نوعی به صورت غیرمستقیم تورم را هم مهار و کنترل می‌کند.

مهار تورم مزمن در ساختار اقتصاد ایران نیازمند گذار از رویکردهای تک‌بعدی و اتکا به بستنی جامع از سیاست‌های پولی، انضباط مالی و تحرکات هماهنگ در عرصه بازرگانی خارجی است.

در این مسیر، همسویی نهادهای تصمیم‌ساز پولی با برنامه‌های تجاری، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش ناپایداری‌ها، ساماندهی تخصیص اعتبارات و مهار هیجانات سوداگرانه ایفا می‌کند.

تجربه ادوار گذشته نشان می‌دهد غفلت از مدیریت متغیرهای اثر گذار بر انتظارات عمومی، به سرعت چرخه معیوبی میان رشد قیمت دارایی‌ها و افت قدرت خرید جامعه پدید می‌آورد. از این‌رو، ایجاد انسجام میان ابزارهای مهار نقدینگی و باز کردن گره‌های لجستیکی مبادی ورودی کالا، بستر ساز ایجاد آرامش پایدار در فضای کسب‌وکار و کاهش شتاب فشارهای هزینه‌ای خواهد بود.

بانک مرکزی چند ابزار برای کنترل تورم در اختیار دارد. مورد اول بحث نقدینگی است؛ همه می‌دانند نقدینگی ممکن است توسط بانک مرکزی ایجاد شود که به آن پایه پولی می‌گویند.

بانک مرکزی با چاپ پول می‌تواند نقدینگی را افزایش دهد و نقدینگی هم مستقیماً باعث تورم می‌شود؛ یعنی اولین و مهم‌ترین کار این است که بانک مرکزی اقدام به چاپ پول نکند، چون تبعات توری

آوای اقتصاد

روزنامه اقتصادی، اجتماعی و ورزشی
صبح ایران

ارتباط با سازمان آگهی‌ها:

۰۹۳۶ - ۷۳۸۶۵۵۱
۰۲۱ - ۴۹۱۰۵۶۶۶
www.avayeeghtesad.ir

آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)

قرارداد سازندگی

مناقصه گزار: قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (ص) هلدینگ تخصصی دریایی واحد اجرایی موسسه عمران ساحل - پروژه فاز ۴ تصفیه فاضلاب شهر بندر عباس

موضوع مناقصه: عملیات اجرایی سفت کاری ساختمان SLUDGE DEWATERING و AOP SUBSTATION

مهلت شرکت در مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ لغایت ۱۴۰۵/۰۷/۰۴

مدت اجرای قرارداد: ۴ ماه شمسی از تاریخ شروع قرارداد

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

ضمانت‌نامه‌ای بایدست در وجه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (ص) باشد.

کد اقتصادی قرارگاه خاتم‌الانبیاء: ۴۱۱۳۳۱۶۶۲۷۱۹ و شناسه ملی: ۱۴۰۰۲۳۳۵۴۹۰

این مؤسسه درد کردن و یا قبول کردن پیشنهاد مختار است.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج شده است.

آدرس جهت دریافت و تسلیم اسناد مناقصه: تهران، ولی عصر، بالاتر از خیابان توانیر، خیابان نیلسو، پلاک ۳، موسسه عمران ساحل، معاونت فنی، مدیریت امور قراردادها

تلفن: ۱۵-۲۱۳۳۲۱۹۱۲۲ - مهندس حقیقی ۰۹۱۲۲۵۰۹۴۰۰

هرمزگان، شهر بندر عباس، اتوبان شهید رجایی، میدان پنججلی، مجاورت تصفیه خانه فاضلاب شهر بندعباس، مدیریت امور قراردادها - مهندس بنیادلو - مهندس صبور. تلفن: ۰۹۱۷۳۳۱۰۶۹۸ - ۰۹۱۷۶۷۸۳۰۷۳

ضمناً به‌یژه چاپ آگهی بر عهده‌ی بر ندهی مناقصه می‌باشد.

واشنگتن چگونه می‌خواهد راه ایران به آسیای مرکزی را ببندد؟

فشار آمریکا برای قطع روابط آسیای مرکزی با تهران، بیش از آنکه ایران را منزوی کند، کشورهای منطقه را در برابر یک انتخاب ژئوپلیتیکی دشوار قرار می‌دهد.

ایالات متحده در چارچوب کارزار جدید فشار اقتصادی علیه ایران، اکنون تلاش می‌کند حلقه محاصره تهران را از مسیر دیگری به غیر از خلیج فارس و مرزهای غربی و شرقی این کشور نیز تکمیل کند؛ محدود کردن ارتباط زمینی ایران با کشورهای آسیای مرکزی. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، دولت دونالد ترامپ از کشورهای این منطقه خواسته است تجارت خود با ایران را کاهش داده یا متوقف کنند، شرکت‌های مرتبط با تهران را شناسایی کنند و فعالیت شعب بانک‌های ایرانی را محدود یا متوقف سازند.

واشنگتن همچنین تهدید کرده که کشورهای مؤسسانیه که از این درخواست‌ها تبعیت نکنند، با تحریم‌های ثانویه محدودیت دسترسی به نظام مالی مبتنی بر دلار مواجه خواهند شد.

در ظاهر، این سیاست می‌تواند بخشی از راهبرد «فشار حداکتری» علیه جمهوری اسلامی ایران تلقی شود؛ اما در عمل با یک مشکل اساسی روبه‌روست. ایران برخلاف بسیاری از کشورهای که آمریکا در گذشته تلاش کرده آنها را منزوی کند، صرفاً یک اقتصاد با بازار منفرد نیست.

موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که حذف آن از شبکه‌های حمل‌ونقل، انرژی و تجارت منطقه‌ای برای بسیاری از همسایگانش هزینه ایجاد می‌کند. به همین دلیل، آنچه واشنگتن می‌خواهد به عنوان «محاصره زمین ایران» اجرا کند، ممکن است در عمل بیشتر به تلاش برای تحمیل هزینه به کشورهای آسیای مرکزی تبدیل شود تا اقدامی مؤثر برای منزوی کردن تهران.

مسئله اصلی این است که حجم تجارت مستقیم کشورهای آسیای مرکزی با ایران، اگرچه در مقایسه با تجارت آنها با چین، روسیه یا اروپا چندان بزرگ نیست، اما اهمیت ایران برای این کشورها را نمی‌توان با حجم تجارت دو جانبه اندازه‌گیری کرد. ارزش واقعی ایران در نقش آن به عنوان یک مسیر ترانزیتی و دسترسی به آب‌های آزاد نهفته است.

پنج جمهوری آسیای مرکزی همگی به نوعی با مشکل جغرافیایی مشترکی مواجه‌اند: محصور بودن در خشکی. آنها برای دسترسی به بازارهای جهانی باید از خاک کشورهای دیگر عبور کنند. روسیه و چین دو مسیر اصلی تاریخی این کشورها بودند، اما در سال‌های اخیر دولت‌های آسیای مرکزی تلاش کرده‌اند گزینه‌های بیشتری ایجاد کنند تا وابستگی خود را به هر یک از قدرت‌های بزرگ کاهش دهند. ایران در این میان یکی از معدود مسیرهای طبیعی و عملی برای ایجاد یک محور کردوبوری جنوبی است. مسیرهایی که از آسیای مرکزی به ایران و سپس به بندر خلیج فارس و دریای عمان می‌رسند، به کشورهای این منطقه امکان می‌دهند به بازارهای هند، خاورمیانه و حتی فراتر از آن دسترسی پیدا کنند. بنابراین، فشار آمریکا برای قطع روابط با ایران تنها به معنای محدود کردن صادرات و واردات نیست؛ بلکه در صورت اجرای کامل، به معنای از بین بردن یکی از گزینه‌های ژئوپلیتیکی کشورهای آسیای مرکزی برای خروج از بن‌بست جغرافیایی آنهاست. این تناقض مهم‌ترین نقطه ضعف سیاست آمریکا است. مجموع تجارت مستقیم پنج کشور آسیای مرکزی با ایران حدود ۱.۹ میلیارد دلار برآورد شده است. این رقم در برابر تجارت این کشورها با چین یا روسیه ناچیز به نظر می‌رسد. بنابراین واشنگتن می‌تواند استدلال کند که کشورهای منطقه می‌توانند به راحتی بازار ایران را با بازارهای دیگر جایگزین کنند. اما این استدلال زمانی که موضوع به ترانزیت می‌رسد، دیگر کارایی ندارد. برای نمونه، در مورد ازبکستان، ارزش تجارت مستقیم با ایران در سال ۲۰۲۵ حدود ۵۷۹ میلیون دلار بوده؛ رقمی که کمتر از یک درصد تجارت خارجی این کشور است. اما اهمیت ایران برای تاشکند در حوزه ترانزیت بسیار بیشتر است. در سال ۲۰۲۵ کالاهایی به ارزش حدود ۳.۹ میلیارد دلار از طریق زیرساخت‌های ایران به ازبکستان منتقل شد؛ رقمی معادل حدود ۹ درصد واردات این کشور.

مورد بعدی که باز بانک مرکزی می‌تواند در حقیقت به آن توجه ویژه‌ای داشته باشد، موضوع دیپلماسی اقتصادی است یعنی از طریق تعامل با کشورهای خارجی برای آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده و همچنین دریافت به‌موقع درآمدهای ناشی از صادرات نفت و سایر صادرات موجود اقدام شود. این تحرکات در حقیقت سبب می‌شود که ورود ارز به کشور تسهیل گردد؛ این تسهیل در ورود ارز عملاً بازار ارز را به سمت کنترل شدن هدایت می‌کند و در نتیجه آن هدفی که مد نظر است، یعنی مهار و کنترل تورم، محقق خواهد شد.

گمرکات در اختیار وزارت اقتصاد قرار دارد؛ اگر کالاها در گمرکات رسوب کنند و فرآیند ترخیص آن‌ها طولانی و تاخیر همراه شود، بازار عملاً با کمبود عرضه مواجه خواهد شد و همین کمبود عرضه سبب بروز تورم می‌شود.

نقش بانک مرکزی در این حوزه به بحث گشایش اعتبار مربوط است؛ چرا که برای ترخیص کالا یکی از مراحل کلیدی، گشایش اعتبار و تعامل روان سیستم بانکی با گمرکات است. هر چقدر همکاری سیستم بانکی با مجموعه گمرک تقویت شود، میزان توقف کالا در گمرکات به حداقل خواهد رسید. این امر منجر به آن می‌شود که بازارها روندی کاملاً سیال به خود بگیرند و همین سیال بودن بازار عملاً تورم را مهار می‌کند. تقریباً در مواضع و سخنانی که رئیس کل بانک مرکزی، وزیر اقتصاد و مدیران اقتصادی داشته‌اند، تأکید ویژه‌ای بر دیپلماسی اقتصادی صورت گرفته است؛ همچنین بر روان‌سازی و سیال بودن حمل‌ونقل و فرآیندهای گمرکی تأکید دارند که این موارد بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

اکنون تمام ارکان دولت و نظام به دنبال مهار و کنترل شتاب تورم هستند و در صورت تحقق این امر می‌توانیم به سمت کاهش تورم حرکت کنیم.

وقتی در اقتصاد تورم ساختاری داریم، افزایش نرخ ارز اجتناب‌ناپذیر است

افزایش نرخ ارز یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر است زیرا یکی از فرمول‌های تعیین نرخ ارز، نسبت تورم داخلی به تورم جهانی است؛ بنابراین وقتی ما در داخل تورم ساختاری داریم، طبیعتاً نرخ ارز نیز به همان نسبت افزایش پیدا می‌کند.

دلیل این مسأله را اقتصاددانان و به ویژه ملتون فریدمن به روشنی تبیین کرده‌اند؛ طبق این نظریه، وقتی به طور میانگین قیمت اکثر کالاها افزایش پیدا می‌کند، پول و ارز خارجی نیز خود نوعی کالا به شمار می‌روند.

بنابراین، ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که مثلاً قیمت سیب‌زمینی یا گوشت افزایش پیدا کند اما نرخ ارز ثابت بماند و بالا نرود؛ در حقیقت نرخ ارز هم متناسب با تورم سایر کالاها بالا می‌رود. اما مسأله اساسی و نگران‌کننده زمانی رخ می‌دهد که «جهش ارزی» شکل بگیرد.

جهش ارزی یعنی اینکه نرخ ارز به شکلی نامتناسب و بسیار فراتر از سایر کالاها گران شود. هرگاه چنین جهشی اتفاق بیفتد، خودش مجدداً به تورم دامن می‌زند و به آن افزوده می‌شود؛ به این معنی که نرخ ارز هم متأثر از تورم عمومی است و هم خودش به موتور محرک تورم تبدیل می‌شود. اگر رشد ارز تنها به اندازه رشد دیگر کالاها باشد، صرفاً اثرپذیری است، اما رشد فراتر از آن عاملی برای شعله‌ورتر شدن تورم خواهد بود.

دلیل این وضعیت آن است که نرخ ارز یک متغیر صرفاً اقتصادی نیست، بلکه متغیری سیاسی هست. به عنوان نمونه وقتی جنگی رخ می‌دهد یا تنشی در سطح بین‌المللی بالا می‌گیرد، بدون اینکه لزوماً ارتباط مستقیمی با مسائل داخلی اقتصاد داشته باشد، صرفاً به دلیل تغییر انتظارات روانی جامعه، نرخ ارز صعودی می‌شود؛ به تعبیر ورزشی و عامیانه، ارز متغیری چغرف و بد بدن است که به راحتی در کنترل و مهار قرار نمی‌گیرد.

در چنین شرایطی اگر دولت بتواند نرخ ارز را در کانال مشخصی مدیریت و حفظ کند، دست به اقدام بزرگی زده است ولی چنانچه مدیریت صحیحی صورت نگیرد، ممکن است قیمت ه صعودی شود.

مدیریت بازار در این دوره کاملاً صحیح و علمی پیگیری شود و در این راستا لازم است در کنار تدوین «سند امنیت کلان کشور»، «سند امنیت اقتصادی کشور» نیز تبیین و ابلاغ شود. برای مهار تورم مزمن در ایران، راهکار تنها در کنترل پول نیست؛ بلکه در ایجاد هماهنگی میان سیاست‌های پولی و بازرگانی است.

همسویی میان مهار نقدینگی و تسهیل ورود کالا به کشور، تنها راه عبور از چرخه‌های بی‌ثباتی و کاهش فشار بر معیشت جامعه است.

[illegible]

